

بخشی از یادداشت‌های امید۲۰

زندان گوانتانامو



نوشته آریل دور فمن

مترجم: امیلی امرایی

■ حالا بعد از ۳۰ سال و اندی شعرهای زندانیان گوانتانامو منتشر می‌شود و من باز یاد حرف‌های ماری می‌افتم، اینکه شعر، این مردان را از زیر شکنجه‌های مدرن گوانتانامو زنده بیرون می‌آورد؛ دردناک است و شرم‌آور؛ آمریکا سرزمینی که خود را مهد دموکراسی می‌داند همان شکنجه‌ها و دردهایی را که پینوشه بیرحمانه انجام می‌داد بر سر مردانی می‌آورد که تنها جرم‌شان مسلمان بودن است و پس. دلیل عمده‌ای که این مردان در شرایط بسیار سخت زندان مثل زنان شیلی، به شعر گفتن روی آورده‌اند، این است که شعر پاسخی است به خشوستی که در مورد آنها اعمال شده و آیا چیز دیگری هست که بتواند به بشر امید بیشتری بدهد؟

این زندانیان ققدشان از شعر گفتن این نبوده که منتشر شود. شاید حتی انتظار نداشته‌اند شعرهایشان به دست زندانیان دیگر برسد. برخی کلمه‌هایی که به‌کار برده‌اند، بسیار زیباست و برخی دیگر کمتر. بعضی بسیار فانتیک و متعصب هستند و برخی دیگر در آرزوی خانه دیدار مادر پدر یا فرزندان. چند تایی خودشان را قبل از دستگیری هم شاعر می‌دانسته‌اند. برخی خودشان را به خدا سپرده‌اند و برخی دیگر به هیچ چیز اعتماد ندارند. اما همه‌شان به نظر می‌رسد، فهمیده‌اند که بیان نگرانی‌هایشان با نوشتن، راهی است برای مقابله با ناامیدی.

تکرار دردی که بر یک زندانی گذشته است و درک آن در دیگر سوی جهان هیچ نیازی به اشتراکات فرهنگی چندانی ندارد بلکه وجه اشتراک چیز دیگری است و آن هم ساختار مشترک خودکامگی است؛ خودکامگی نشانه‌های مشخصی دارد شکنجه، اعتراف‌گیری و زورگویی ذات یکسانی دارد و برای همین هم هست که می‌توان آن را نسخه مشخصی دانست؛ نسخه مشخصی که در هر جغرافیایی پیاده شدنی است.

یکی از نتایج جنگ علیه ترور و تروریسم، بی‌حقوقی زندانیان نارنجی‌پوش گوانتانامو است. آنها در جزیره گوانتانامو به جرم شرکت در ترور اسیرند یا بهتر بگوییم به‌دلیل نام ناآشنایی غیرغربی‌شان و باور به دینی دیگر در بند مدعیان دفاع از حقوق بشر مانده‌اند.

از سال ۲۰۰۲ حداقل ۷۷۵ نفر در بند مقامات آمریکایی در جزیره گوانتانامو هستند. براساس اطلاعات وزارت دفاع آمریکا حتی نیمی از آنها هم تاکنون محکوم به هیچ اقدام دشمنانه علیه آمریکا نشده‌اند و دلیل دستگیری و زندانی بودنشان فقط مشکوک بودن به آنهاست. حالا ماری دیگر شعر نمی‌گوید، او در دانشگاه‌های شیلی به تدریس علوم انسانی مشغول است، همان چیزی که پینوشه از آن هراس داشت و بعد از ۱۱ سپتامبر که بمب‌هایش را بر سر کاخ ریاست‌جمهوری آئنده ریخت، در اولین اقدام، دانشگاه‌های علوم انسانی را تعطیل کرد.

شعر کارکردهای متفاوتی دارد که حتی داستان کمتر می‌تواند آن نقش را ایفا کند، مگر همین «پابلو نرودا» عاشق پیشه نبود که تا چند صباح پیش از آمدن سایه سنگین پینوشه با نگاه لطیف خود چکامه‌هایی در مدح شراب، لیمو و سبب می‌گفت و از هر شی می‌توانست شمری عاشقانه بیرون بکشد. نرودا همیشه یک فعال اجتماعی و سیاسی بود اما دلی روشن داشت، زیرا که در آن روزگار کسی در کوچه و پس‌کوچه‌های سانتیاگو شبانه دستگیر نمی‌شد و زیر بار شکنجه، مادرش را نمی‌فروخت. در واقع شعر نرودا بیش از هر چیز دیگر یادآور روزهایی است که ادبیات حداقل در شیلی راه خودش را می‌رفت، زیرا خیال ادبیات، از بابت شب‌های تاریک راحت بود، شب‌های تاریک آن روزها شب عاشقان بود و نرودا هم این را می‌دانست. آن روزها نرودا یک فعال سیاسی بود؛ حتی در ۱۹۶۹ به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری در انتخابات شرکت کرد و وقتی دید مردی کارکشته‌تر که می‌خواهد مردمان کشورش همچنان از تاریکی شب نترسند، می‌خواهد روی کار بیاید به افتخارش از کاندیداتوری انصراف داد و همه چیز را به دوست نزدیکش «سالوادور آئنده» واگذار کرد. آن روزها هم نرودا شعرهای سیاسی و اجتماعی می‌گفت، اما این شعرها حاکمی از رنج نبود. مرگ «سالوادور آئنده» و آنچه بر شیلی گذشت، نرودا را لال کرد، او که با مرگ در عین حال دست‌وپنجه نرم می‌کرد، در مدت کوتاهی دست از زندگی شست، زیرا طاقت بازجویی‌ها و بازسی‌های شبانه از خانه‌اش را نداشت. برای اینکه نرودا شعر را در شب‌های دیگری یافته بود، نه در سیاهچال‌های ماموران امنیتی پینوشه و نه در زندان پر از حصار گوانتانامو. شاید اگر نرودا شعرهای اهالی گوانتانامو را می‌دید چکامه‌ای می‌سرود، این بار در مدح امید.

گیسو قفقوزی: «افتخارایران»، «روز بزرگ»، «بزرگ‌ترین موفقیت»، «انتظار»، «دعا»، «تبریک»، «خوشحالی» تمام دو روز گذشته فضای سینمای ایران در «امید» همین جایزه‌ای بود که ساعت شش صبح دیروز به وقت تهران در دستان «صفر فرهادی» و «پیمان معادی» قرار گرفت. پس از مدت‌ها همه باهم آرزوی یک اتفاق خوب را داشتند و در این روزهای سخت سینمای ایران، این اتفاق افتاد. بسیاری شب قبل منتظر بودند تا این صحنه را ببینند و سهم‌شان از این اتفاقی، حضور «صفر فرهادی» و «پیمان معادی» بر فرش قرمزی بود که در آن قدم گذاشتند و در کنار المادوار و بعد از کیت وینسلت آمدند. هرچند علاقه‌ای به گفت‌وگو نشان ندادند و در فضای میهمانی «گلدن گلوب» شاید غریبانه در کنار «جوی فاستر» نشسته بودند. در جمعی که تمام بزرگان سینمای هالیوود در کنار هم نایسته بودند، ما هم دو نماینده داشتیم تا از ایران و وجهه فرهنگی‌مان به گونه‌ای دیگر رونمایی کنیم. فیلم «جدایی نادر از سیمین» با عبور از تمام مشکلاتی که در راه ساخت آن پیش آمده بود، این روزها همچون خورشید دامنه پرتوهایش شرق تا غرب را پوشانده است و صبح دیروز «تجمن منتقدان هالیوود» سر در برابر این فیلم فرود آورد و جایزه بهترین فیلم خارجی را دریافت کرد. او رقابیش را در حالی پشتسر گذاشت که در میان آنها چهره‌های سرشناسی چون برادران داردن، ژان ژیمو و پدرو المودورا در میان‌شان قرار داشتند. فرهادی هنگام دریافت جایزه گلدن گلوب از دست مدونا بازیزگر، کارگردان و خواننده شناخته شده، خیلی کوتاه صحبت کرد و گفت: «ترجیح می‌دهم از مردم کشورم

»

گزارش مراسم شصت و نهمین دوره گلدن گلوب پیروزی «جدایی نادر از سیمین»

جایزه‌ای برای مردم عاشق صلح

ساسان گلفر: فیلم «جدایی نادر از سیمین» اصغر فرهادی از ایران برنده جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان گلدن گلوب شد.انجمن مطبوعات خارجی هالیوود طی مراسمی که صبح دوشنبه در هتل هیلتون بورلی هیلز لس‌آنجلس با حضور چهره‌های سرشناس دنیای سینما برگزار شده، این جایزه را به اصغر فرهادی اهدا کرد. جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان درست در نیمه زمان سه ساعته شصت و نهمین دوره مراسم اهدای جوایز گلدن گلوب اهدا شد و اصغر فرهادی همراه با پیمان معادی بازیگر فیلم به روی صحنه رفت تا مجسمه گوی طلایی را از مدونا دریافت کند. فرهادی در تطق خود هنگام دریافت جایزه گفت: «وقتی داشتیم به روی صحنه می‌آمدم، فکر می‌کردم که چه باید بگویم؛ آیا باید درباره مادرم، پدرم، همسر مهربانم، دخترانم، دوستان عزیزم، عوامل فیلم من، این افراد خوب و دوست داشتی بگویم؟ اما اکنون ترجیح می‌دهم فقط نکته‌ای را درباره مردم کشورم بگویم. فکر می‌کنم که آنها واقعا مردمی عاشق صلح هستند. خیلی متشکرم.» وی همچنین پس از تشکر از مایکل بارکر و تام برنارد (مدیران و بنیان‌گذاران سونی پیکچرز کلسیکز، پخش‌کننده فیلم در خارج از کشور) گفت: «مایکل، قبلا هم به تو گفته بودم، فکر می‌کنم تو حتی بیشتر از من «یک جدایی» را دوست داری!» فیلم «جدایی نادر از سیمین» در اکران خارج از کشور با عنوان «یک جدایی» به نمایش درآمده است. رقبای فیلم فرهادی در این بخش، «گل‌های جنگ» به کارگردانی ژانگ ییمو از کشور چین، «پسرپچه با دوچرخه» ساخته برادران داردن از بلژیک، «پوستی که در آن زندگی می‌کنم» به کارگردانی پدرو المودوار از کشور اسپانیا و «در سرزمین خون و عسل» به کارگردانی آنجیلینا جولی بودند و پیش‌بینی‌ها حکایت‌ای از پیروزی فیلم آنجیلینا جولی داشت. در زمان روی صحنه رفتن فرهادی و معادی، برای یک لحظه دوربین پوشش‌دهنده پخش زنده تلویزیونی مراسم، نمایی از آنجیلینا جولی و همسرش برد پیت، دو بازینده بزرگ این مراسم را نشان داد، در حالی که

ادب‌و هنر



گفت و گو با پیمان معادی پیش از رفتن به گلدن گلوب

احساس افتخار

بگویم که واقعا مردمانی صلح‌طلب هستند.»با پیمان معادی قبل از سفرش کوتاه صحبت کرده بودیم. درباره سفری که خودش تنها ۵۰درصد به موفقیت فیلم «جدایی نادر از سیمین» در گلدن گلوب اعتقاد داشت. او خبر داد: «سفری است ۱۰ روزه که در آن برنامه‌هایی ترتیب داده شده که آخرین آن شرکت در جشن گلدن گلوب است.» و ادامه داد: «تنها ۵۰درصد به این موفقیت اعتقاد دارم، بحث آن

شدند و به نوعی کارشان دیده شد. همه اینها مجموعه‌ای است که می‌تواند موفقیت فیلم را شامل شود. همان‌طور که جایزه آقای کلاری، جایزه بسیار مهمی بوده است. از طرف دیگر من در فیلمی بازی کرده‌ام که دیده شده و فیلم آنقدر خوب بوده که من هم دیده شده‌ام. برای همین آرزو دارم و امیدوارم هر جشنواره‌ای می‌رویم انتخاب‌شان، انتخاب فیلم جدایی به‌عنوان بهترین فیلم باشد تا همه را دربرگیرد.» وقتی از او پرسیدیم که اگر قرار باشد آن بالا چیزی بگوید، چه می‌گوید؟ می‌خندد و بیان می‌کند: «آقای فرهادی باید حرف بزند و من الان که فکر می‌کنم همین‌طور در این لحظه خیلی دوست دارم بگویم که در این روزها که مردم نیاز به خوشحالی دارند، امیدوارم این اتفاق خوشحال‌ترشان کند. خیلی به این اعتقاد دارم که این جایزه برای همه است. یعنی همه نگاه گروه این فکر را دارند که جایزه برای همه مردم است و خیلی خوشحال می‌شویم که با این اتفاق مردم هم کمی خوشحال می‌شوند. این روزها یک جایزه آن هم به این شکل خیلی برای ما خوشایند است به‌خصوص از منظر فرهنگی تا کمی از تصورات غلط آنها را نسبت به ما تغییر دهد. این همان نکته‌ای است که برای ما و آنهایی که آبروی کشورمان برایشان مهم است، اهمیت دارد.»پس از دریافت جایزه بود که با اصغر فرهادی در جمع خبرنگاران گفت‌وگو شد و وقتی از او درباره تبلیغات ایران و آمریکا سوال شد، پاسخ داد: «به نظرم آدم‌ها با هم مشکلی ندارند، مردم ایران همان‌طور که گفتیم مردم خیلی صلح دوستی هستند، امیدوارم نه در ایران و نه در هیچ جای دنیا، دیگر کسی جنگ را انیستد و جنگ فقط چیزی متعلق به گذشته شود.»

»



مدونا برای اجرای ترانه‌ای از فیلم «دبلیو.ای.» به کارگردانی خودش تعلق گرفت. امسال جایزه افتخاری دستاورد یک عمر به مورگان فریمن بازیگر اهدا شد. این جایزه که «سسیل ب. دومیل» نام گرفته، پس از نمایش لحظه‌هایی از فیلم‌های این بازیگر سیاه‌پوست مانند «باخشوده»، «سنگاری شلوشنک»، «افتخار»، «آمیستاد»، «رانندگی برای خشم دزی» و «هفت» توسط سیدنی پواتیه، بازیگر سیاه‌پوست دیگری که از اولین رنگین‌پوستان موفق هالیوود بوده، به فریمن تقدیم شد. اکثر بازیگران برنده جوایز بخش تلویزیونی این دوره گلدن گلوب نیز از چهره‌های مشهور سینمایی بودند، از جمله لورا درن برنده جایزه بهترین بازیگر زن در سریال کمدی یا موزیکال برای سریال «روشنایی رسیده»، کیت وینسلت بازیگر مینی سریال «فولت»، کلسی گرامر بازیگر مرد درام سریال «رییس»، جسیکا لانگ بازیگر زن نقش مکمل سریال «داستان ترسناک آمریکایی» و کلر دینس بازیگر سریال درام «Homeland» سریال انگلیسی «Downton Abbey» از شبکه بی.بی.اس جایزه بهترین مینی سریال یا فیلم تلویزیونی را دریافت کرد، «خانواده مدرن» از شبکه ای.بی.سی عنوان بهترین سریال تلویزیونی کمدی یا درام را گرفت و «Homeland» از شبکه شووتایم بهترین سریال تلویزیونی درام شناخته شد.

تبریک انجمن بازیگران
انجمن بازیگران سینمای ایران این پیروزی ارزشمند را به آقای **اصغر فرهادی**، گروه بازیگران **برتوان فیلم**، **خانواده بزرگ سینمای کشورمان** و **هموطنان هنردوست تبریک** عرض نموده. **آرزو**مندیم که شاهد فتح رفیع‌ترین **قله‌های افتخارات هنری توسط این فیلم** و **شکوه و سربلندی روزافزون سینما و فرهنگ کشورمان** در **آینده‌ای نزدیک باشیم**.**تقدیم ۳ تئاتر به اصغر فرهادی و گروهش**
برخی از تئاترهای روی صحنه اجرای روز دوشنبه خود را به فیلم افتخار آفرین سینمای ایران تقدیم کردند. **آروند دشت آرای و گروه اجرایی نمایش «کمی بالاتر**» این اجرا را به **اصغر فرهادی** و **جدایی نادر از سیمین** و نمایش **«خشکسالی و دروغ»** اجرای خود را به **اصغر فرهادی**، **پیمان معادی** و **جدایی نادر از سیمین** تقدیم کردند. **آتیلا پسیانی** کارگردان نمایش ریچارد سوم هم ضمن تبریک به جامعه سینمایی اجرای نمایش خود را به **اصغر فرهادی** تقدیم کرد.

اکران یک هفته ای جدایی نادر از سیمین

ایلتا: به مناسبت کسب جایزه گلدن گلوب توسط فرهادی به‌زودی به مدت یک هفته، فیلم جدایی نادر از سیمین در سینما آزادی به نمایش درمی‌آید.



استیون اسپیلبرگ هنگام دریافت جایزه **بهترین فیلم بلند انیمیشن** با اشاره به همکار فیلمساز و تهیه‌کننده‌اش، **پیتر جکس** از «**خواهم از دو استودیو تشکر کنم که اجازه ضرب‌آهنگل را واقعا به اثبات رساندند که اگر من و پیتر بخواهیم، اجازه داریم دخترچه تلفن را به فیلم تبدیل کنیم**».

در مراسم گلدن گلوب شصت و نهم بسیاری از چهره‌های سرشناس دست خالی از سالن هتل هیلتون بورلی هیلز لس‌آنجلس بازگشتند. یکی از این چهره‌ها **برد پیت** بود که برای فیلم مانی بال کاندیدا شده بود و به همراه آنجیلینا جولی همسرش با عسا به مراسم آمده بود.

»

همه شاد و مفتخر

چون چه چیزی می‌تواند از این بهتر باشد که راهی دراز را پیموده‌ای و در پاییز عمرت ببینی نسل‌های بعدی در همان راه گام برمی‌دارند. از وقتی که «قص غبر» فرهادی را دیدام هر فیلمش «شهر زیبا»، «چهارشنبه‌سوری»، «درباری‌اله»، و حالا «جدایی نادر از سیمین» به طور تصادفی بهتر و قوی‌تر شده است و امیدوارم سالیان دراز هم جلو برود. من مفتخرم که فرهادی دوست من است و با اینکه کوچک‌ترین سهمی در موفقیت او ندارم با این وصف روز مهم سینمای ایران را با یک فنجان قهوه جشن گرفته‌ام. به همین علت در همین روز از خداوند متعال می‌خواهم که به میمنت این افتخار بزرگ سینمای ایران اصغر فرهادی را از گزند بدخواهان و تنگ‌نظران محافظت کند. همچنین آرزو دارم که خداوند به همه ما انقدر روشنی خیال بدهد که در مورد تمام مسائل‌بان یا یکدیگر از راه سازش را آرییم تا بتوانیم در زیر این نور تابان موفقیت فرهادی به روشنی دل در شادی دوست‌مان شریک باشیم. در خاتمه باید بگویم سینمای کشورمان به‌خصوص بعد از انقلاب به دلیل حمایت همه‌جانبه سربلند و افتخار آفرین بوده است و از نخل طلای عباس کیارستمی گرفته تا گلدن گلوب اصغر فرهادی و موفقیت فیلمسازان بزرگ دیگر همگی در داخل و خارج گل به پای صنعت سینمای ایران ریخته‌اند و همه باید شادمان باشیم و مفتخر.

روزنه امید

این جایزه یک روزنه امید برای جوانان ایرانی است و برای آنها یک پشتوانه به حساب می‌آید که برای ادامه کارهای‌شان انگیزه داشته باشند. ما برخلاف آنچه هستند می‌دهیم در عمق وجودمان غرور ملی داریم و همین باعث پیوند و حفظ فرهنگ ما می‌شود. همان‌طور که وقتی کبارستی جایزه‌های جهانی را گرفت همه ما ایرانیان چه آنهایی که هنری بودند و چه آنهایی که تنها به هنر علاقه داشتند، سرافراز شدند.

قابل پیش‌بینی

در واقع کاری که فیلم «جدایی نادر از سیمین» با مخاطبان جهانی‌اش کرده است، آشنا کردن آنها با مردمی است که مثل هر سرزمین دیگری در جهان در تعارض مابین زندگی مدرن و تقیدهای سنتی می‌کوشند راهی برای آشتی دادن جنبه‌های مختلف زندگی و همزیستی مسالمت‌آمیز بیابند. مردمی که مثل مردم دیگر هر کجای جهان عشق می‌ورزند، باورهای قابل احترام دارند و می‌کوشند تا در جهانی بی‌اخلاق، اخلاقی باشند. سخنرانی کوتاه و با مسما اصغر فرهادی نیز بالاب فروتنانه یک هنرمند واقعی تکریم همین مردم بود: «مردم دوست‌داشتنی و صلح دوست ایرانی.» من شش‌خا از یاد نمی‌برم که «جدایی نادر از سیمین» ممکن بود به دلیل بی‌تدبیری برخی هرگز ساخته نشود. سوبرباشش از گفته‌های او در جریان چهاردهمین جشن سینمای ایران، لوو پروانه ساختن این فیلم را به دنبال داشت و چه خون دل‌ها خورده شد تا ساخت فیلم دوباره به جریان افتاد. والا نوزادی که هیچ‌کس نمی‌دانست ممکن است در آینده چه جوان برومندی شود و چه افتخاراتی کسب کند، ممکن بود سر را برد. فیلم «جدایی نادر از سیمین» که حاصل تلاش سینماگران مستقل ایرانی است، بار دیگر بر ظرفیت‌های رشد و قابلیت‌های جهانی شدن سینمای ایران دالت می‌کند. سینمایی که می‌تواند بی‌تردید به منبعی صادراتی تبدیل شود. تحصیل ارز خارجی پیش یافتله‌ترین کاری است که سینمای نجیب ایران قادر به انجام آن است. معرفی فرهنگ آداب سنن و چهره مردم ایران، شیوه زندگی آنها و آنچه واقعا در این سرزمین می‌گذرد کاری است که هیچ دستگاه تبلیغاتی با بودجه‌های کلان و ید و بیعی قادر به انجام آن نیست و تنها از سینمای ایران برمی‌آید. گشودن بند از دست و پای سینمایی که همه توفیقش را مرهون پیروزی انقلاب است، به نفع منافع ملی ایران است. نسیم خوش برص موفقیت «جدایی نادر از سیمین»، بشارت می‌دهد که این سینما ارزش هرگونه فیاکاری را دارد. باشند تا نگین امسال سینمای ایران، بر انگشتر اسکار ننگ نشاندہ شود.

نمره کار گروهی

در این زمانه که درگیر فشارهای جهانی هستیم افتخار بزرگی است که تمام ایران در عرصه هنر مطرح می‌شود.مسوولان ما باید بدانند وقتی چنین ابزاری داریم باید از آن در جهت اعتلای ارزش‌هایمان در سطح جهان بهره بگیرند. من می‌دانم که استعدادهای بالقوه زیادی در سینمای ایران است ولی این روزها احساس می‌کنم یک یاس و ناامیدی در بین سینماگران‌مان است که نمی‌توانیم آن را کتمان کنیم اما بار دیگر این موفقیت به شخص من که در این درگیری‌ها متالم و متأسف هستم یادآوری کرد که همچنان باید پای این سینما ایستاد و همچنان براین اعتقادم که این سوءتفاهم‌ها بهتر است برطرف شود. سینما فوتبال نیست که درگیر حواشی باشد، فرهنگ و هنر ماست، پرچم ماست که باید در اعتلا باشد. فقط اصغر فرهادی نیست، اصغر فرهادی‌های زیادی داریم که به دلیل این کدورت‌ها و سوءتفاهم‌ها انرژی خود را از دست می‌دهند و همین امر بدر یاس و ناامیدی را در عرصه فرهنگ و هنر می‌پراکند. ما ملت ارزشمندی هستیم که باید کسولان کشورمان در بالندگی‌شان سهم باشند نه اینکه سد این استعداده‌ها باشند. ما ارزش‌هایی داریم که بابت‌شان بها داده‌ایم و علاقمندیم در کیفیت مطلوب، اندیشه اندیشمندان‌مان و خلاقیت سینماگران را در آثارشان فارغ از اختلاف رای‌ها و نظرها به گوش جهانیان برسانیم. همان‌طور که اصغر فرهادی هم گفته است ما مردمی هستیم که دنبال صلح‌دوستی و تفاهم هستیم و دیگران باید در عمل این را ببینند و بخش عظیمی از این مسوولیت بر عهده فرهنگ و هنر است و تا وقتی این درگیری‌ها هست این اتفاق کمتر می‌افتد. تبریک فراوان به اصغر فرهادی و مردم. امیدوارم که این درخشش ادامه پیدا کند تا همیشه دل‌مان شاد باشد و خدا همراه ما باشد تا بتوانیم این سینما را نگه داریم. آرزو دارم در اولین حرکت خانواده سینما به ارض برسد که حاصل آن تولیدات ارزشمند و با کیفیت بالا باشد تا در مرحله اول آشتی مخاطب داخلی با سینما و بعد مطرح شدن در عرصه جهان اتفاقی بیفتد.